

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب

حسین قاسم‌پور مقدم^۱* سهراب سعیدی^۲

(دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۷)

چکیده

نخل از درختان بسیار قدیمی و مقدس است که نامش در قرآن مجید به کرات آمده است. مورخان درخت نخل را ملکه درختان نامیده‌اند. ساکنان جنوب، نخل را تنها میراث پس از خود و شجره وفادار می‌دانند. در ادب شفاهی میناب از نخل فراوان یاد شده است. نخل نقش مهمی در سنت‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورهای مردم دارد. درخت مفید نخل از هر حیث برای مردم جنوب اهمیت داشته و خوراک و مسکن و همچنین صنایعی حصیری را برای استفاده در امور زندگی به مردم هدیه داده است. نخل در فرهنگ مردم میناب درخت مهمی است. مردم برای کاشت آن وضو می‌گیرند و آن را رو به قبله می‌کارند. این مقاله با روش تحلیل محتوا و از طریق ابزار کتابخانه و مصاحبه، درخت نخل در میناب را با ذکر اجزاء، انواع و فراورده‌های آن معرفی می‌کند و به نخل در ادبیات شفاهی (چیستان، ضرب‌المثل، لالایی، اصطلاحات عامیانه، باورها و ترانه) می‌پردازد تا اهمیت نخل در شهرستان میناب معلوم شود. این درخت از گذشته‌های دور در زندگی مردم آن منطقه اهمیت داشته است و اغراق نیست اگر گفته شود که هر نفر نخل همانند یک نفر انسان نان‌آور می‌تواند در اقتصاد خانواده سهم باشد. نخل در نقش یکی از فرزندان خانواده و واحد شمارش آن نفر است و برای آن مرگ و میر در نظر گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: نخل، ادبیات شفاهی، فرهنگ عامه، میناب.

۱. استادیار برنامه‌ریزی درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (نویسنده مسئول).

* h44ghasempour@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش میناب.

۱. مقدمه

شهرستان میناب در جنوب ایران یکی از رویش‌گاه‌های مهم درخت نخل در ایران است. از این رو، تأثیر این درخت در ادبیات شفاهی، فرهنگ عامه و ادبیات رسمی این منطقه به‌خوبی نمایان شده است. مردم درخت نخل را «مغ» می‌نامند که به معنی پیشواست و از این رو، این درخت برایشان مهم و مقدس است و برای آن ارزش و احترام قائلند. تمام اجزای این درخت برای مردم منطقه مفید و پرکاربرد است. در گذشته ارزش آن دوچندان بوده؛ اما امروزه در زندگی ماشینی معاصر جایگاه گذشته‌اش کم‌رنگ‌تر شده است و این موضوع سبب توجه ما به پژوهش در این عرصه شد.

«نخل درختی است که در مناطق گرم و خشک نظیر بین‌النهرین و کشورهای مصر، عربستان و ایران کاشته می‌شود و نقش مهمی در زندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردمان دارد» (جهانی اشرف، ۱۳۸۵: ۴۱).

درختان و گیاهان کمی مانند نخل یافت می‌شوند که با زندگی آدمی نیز پیوستگی داشته باشند. درخت خرما خواص بی‌شماری دارد و می‌توان گفت که از تمام قسمت‌های آن استفاده می‌شود. نخل با ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد خود درخت ویژه‌ای است که رویش آن شرایط خاصی را می‌طلبد، باروری و زیایی آن نیز در شرایط خاص و متفاوتی صورت می‌پذیرد. در روزگاران گذشته زندگی و اقتصاد مردم به نخل بستگی داشته و تمامی اجزاء آن به‌عنوان وسایل زندگی مردم در گذشته استفاده می‌شده است. با وجود اینکه نخل در فرهنگ مردم هرمزگان درخت مفید و مهمی است؛ اما تاکنون پژوهش مستقلی به شکل منسجم درباره نخل در استان هرمزگان صورت نگرفته است و این مقاله می‌تواند آغازگر راه باشد. پژوهشگرانی که در ادامه ذکر خواهد شد بخش‌های اندکی از آثار خود را به معرفی نخل اختصاص داده‌اند: عبدالحمید ترابی‌زاده در سال ۱۳۸۸ در کتاب فرهنگ مردم فین و مارم، به جمع‌آوری اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های مردم بخش فین و مارم بندرعباس پرداخته است که در آن مواردی در مورد نخل نیز یافت می‌شود. احمد سایبانی در سال ۱۳۶۹ در کتاب فین بندرعباس درباره روش‌های تکثیر، اجزاء نخل، مراحل رشد میوه نخل، انواع نخل و نام و مشخصات آن‌ها، فراورده‌های خرما، واحد خرما، و اصطلاحاتی که درباره نخل وجود

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم‌پور مقدم و همکار

دارد، مطالبی را آورده است. سلمان ذاکری نیز پژوهشی درباره نخل در میناب داشته که هنوز منتشر نشده است. سهراب سعیدی در چندین کتاب درباره ادبیات شفاهی هرمزگان، انواع چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها، قصه‌ها و متل‌ها را منتشر کرده است. سجاد واعظی در ۱۳۸۳ کتاب *خرما درخت زندگی*، را به نگارش درآورده که به ارزش غذایی خرما، اهمیت صنعتی آن، خرما در مصحف شریف و احادیث اسلامی، خرما در فرهنگ و ادبیات پارسی پرداخته است. ناصر عسکری‌زاده نیز در سال ۱۳۹۳ مطالبی در خصوص درخت نخل و خواص آن در استان هرمزگان منتشر کرده که پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد نامبرده است.

برای بررسی این پژوهش ابتدا از روش کتابخانه‌ای برای بیان تعاریف استفاده شد؛ ولی برای جمع‌آوری آداب و رسوم و اعتقادات و باورها و ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها تحقیق میدانی صورت گرفته است. در این مقاله تلاش بر این است که با بر شمردن بخشی کوتاه از این آداب و رسوم و ادبیات شفاهی، گامی هر چند کوچک در حفظ و انتقال آن برداریم.

۲. چارچوب نظری

۱-۲. سیمای نخل در قرآن کریم

آیاتی که در قرآن درباره نخل آمده، بسیار فراوان است که به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌کنیم.

«فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا»
(مریم/۱۹/۲۳).

ترجمه: آن گاه درد زاییدن او را به‌ناچار به جانب درخت خرما کشانید؛ [در آن حال] گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسره از خاطره‌ها فراموش می‌شدم.

«وَهَزَّىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا» (مریم/۱۹/۲۵).

ترجمه: و تنه خرما را به سوی خود حرکت ده تا برایت خرماي تازه و چیده بریزد (قرآن، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۸).

۲-۲. سیمای نخل در روایت بزرگان دین

نخل یکی از درخت‌های مهم منطقه است که هم در قرآن و هم در روایت بزرگان دین و هم در ادبیات شفاهی به آن پرداخته شده است که می‌تواند مفید و پرخاصیت بودن آن را یادآور شود.

«درباره خرما روایت‌های بسیاری هست از جمله اینکه علی بن ابی‌طالب (ع) روزی مشتی هسته خرما بر کف دست داشت و به صحرا می‌رفت. یکی از یاران به آن حضرت برخورد، گفت: کجا می‌روی؟ فرمود: می‌روم تا نخلستانی از این هسته‌ها به‌وجود آورم» (حبیب تفسیری، ۱۳۷۳: ۸۷).

درخت نخل از آغاز تمدن بشری در مناطق نخل‌خیز اهمیتی ویژه داشته است که هم در مصحف شریف و هم در کلام بزرگان و اولیای دین آمده است. میوه نخل علاوه بر استفاده مستقیم از خرما، کور (پنیر) و شیره جهت استفاده غذایی، استفاده‌های دیگری نیز در صنایع غذایی از جمله شکلات، شیرینی و انواع فراورده‌های خرما دارد. این درخت مفید نه تنها انسان را از مزایای خود بهره‌مند می‌سازد؛ بلکه نوع نامرغوب آن غذای دام (گوسفند، بز و شتر) نیز می‌شود.

۲-۳. نخل در ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها جملاتی کوتاه، اما پرمغز و مفید هستند که با مفاهیم عمیق و بلند همراهند و از گذشته‌های دور سینه به سینه، به‌مثابه گنجینه‌ای گران‌بها و ارزشمند، برای ما به‌جای مانده است. تأثیری که هر ضرب‌المثل در گفتار دارد شاید ساعت‌ها سخن گفتن و نوشتن نداشته باشد. در ضرب‌المثل‌ها نکته‌های فراوانی نهفته است که از رسم و رسومات گذشتگان ما را باخبر می‌سازد.

امثال و تعبیرات و اصطلاحات رایج در میان هر قوم و ملت یکی از ارکان مهم زبان و ادب آن قوم و نموداری از ذوق و قریحه و صفات روحی و اخلاقی و افکار و تصورات و رسوم و عادت آن ملت است. این امثال در طی هزاران سال در میان اقوام مختلف جهان شکفته و نشر یافته و در هر کشور بر حسب اختصاصات قومی و فرهنگی و آداب و سنن و مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی‌های خاص پیدا کرده است (شکورزاده، ۱۳۸۱: ۷).

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم‌پور مقدم و همکار

اهمیت ضرب‌المثل به لحاظ مضمون‌های ارزشمند آن در بیان پند و عبرت و تاریخ بر همگان آشکار است و در هر شهر و روستایی ضرب‌المثل‌هایی رواج دارد که نشان‌دهنده قدمیت و شناسنامه و پیشینه تاریخی مردم آن منطقه است.

۲-۳-۱. نمونه‌ای از کاربرد نخل در ضرب‌المثل‌های میناب

درون‌مایه‌های ضرب‌المثل‌ها متفاوت است، به طوری که گاهی از مواقع، اقلیم نیز در آنان نقش دارد و یکی از عناصر اقلیم در میناب نخل است که ضرب‌المثل‌های زیادی در این خصوص در افواه مردم جاری است. مفاهیم مندرج در ضرب‌المثل‌های نخلی در میناب به مانند سایر ضرب‌المثل‌های رایج در کشور، مفاهیمی پر مغز و پر سود دارد که این مسئله می‌تواند حاصل سال‌ها فکر و اندیشه مردم آن منطقه باشد که بسیار فکر کرده‌اند تا با استفاده از اقلیم و طبیعت بومی خود زبان‌دهایی خاص و پر کاربرد را بیافرینند و بدین گونه سخن در بین مردم را به اختصار بکشند.

- آیون که نه پردن بشته خرمًا نه خردن.

?āyon ke na pardan beštexormā na hardan

برگردان: آن‌ها که در پرده و پوشیده هستند بیشتر مانند خرما درون آمده هستند و مبتلا و آلوده‌اند.

مفهوم کنایی: آن‌هایی که پوشیده هستند و ریاکاری می‌کنند بیشتر خلاف‌کارند.

- چیزی نه دولک چیزی نه تولک.

čizi na dulak čizi na tulak

برگردان: چیزی آویزان است و چیزی نیز درون سبد است.

مفهوم کنایی: که هم باید شکم پر شور و هم پس‌انداز شود.

- خار سرمغ خوبن که خودی تیز بوبت.

xār sare moy xoben ke xodi tiz bobut.

برگردان: چه خوب است که تیغ نخل به خودی خود تیز باشد.

مفهوم کنایی: انسان باید ذاتاً جوهره چیزی را داشته باشد.

- مغ به مغ ادینت رنگ اریزت زن به زن ادین پنت اریزت.

moy be moy ?adint rang ?arizet zan be zan ?adin pant ?a rizet.

برگردان: نخل به نخل می‌بیند رنگ می‌ریزد و زن، زن دیگری را که دید ادا و اطوار از خود درمی‌آورد.

مفهوم کنایی: در بین عامه تقلید چه درست و چه نادرست فراوان است.
- هوی! دوجو خرما! دو مشتاً.

hovwi ?e do ju xormāyi ?edomošā.

برگردان: آب از دو جوی می‌گیرد و خرما از دو مشت.

این مثل در مورد کسی به کار می‌رود که مشکلی در زندگی ندارد و از نظر مالی در رفاه و ثروتمند است.

- تعریف مَکو ای خالو سلونی^۱ همه پوچ و پلاچ و استخونی.

tarif mako eyi xālo saloni hama poč - o - palač -o- ostoxoni

برگردان: تعریف نکن ای دایی سلونی همه پوچ و غیر مفید است.

مفهوم کنایی: نباید بی‌جهت کسانی را که ارزش ندارند ارج و ارزش دهیم.

«سلونی نام نخل است، شبیه آلمهتری، منتهی دانه‌های سلونی گردتر و استخوان آن

پرتر است» (تراپی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

- از خر افتاده خرما پیدا کرده است.

مفهوم کنایی: در مورد کسانی به کار برده می‌شود که شانس بسیار دارند.

- مَغْ نَخْش نکیت توتوکش هیچ.

moy xōš nakeyt totokš hič

برگردان: خود نخل نیفتد یا خشک نشود؛ اما اگر شاخه‌های خشک آن بریزد

اهمیتی ندارد.

مفهوم کنایی: فلانی خودش نمیرد مال و اموالش اگر کم بشود مشکلی نیست.

- مس مَنخر که مَنگ آتاره مَغ بخر که پَنگ آتاره

mes maxar ke manq ?atāre moy bexar ke panq ? tāre

برگردان: ظروف مسی را نخرید؛ زیرا در اثر گذشت زمان زنگ می‌زند و از بین می‌-

رود؛ درخت نخل بکارید که دائم ثمر و خرما می‌دهد.

مفهوم کنایی: در خصوص اعتبار و ارزش نخل است.

به هر کدام از ضرب‌المثل‌های رایج در میناب که می‌نگریم به نوعی ارزش درخت

نخل اشاره شده است و از این رو، تأثیر این درخت در باورها، اقتصاد و گویش مردم

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم پور مقدم و همکار

به خوبی نمایان است که در مفاهیم عمیق و قصار از این درخت پر سود و پر ثمر استفاده می شود.

- خار است نخست بار خرما.

xâr ast naxast bar xormâ

برگردان: از نخل ساقه و برگ هایش کم می شود.

مفهوم کنایی: وقتی بخواهند کسی را به صبر و تحمل تا رسیدن نتیجه و حاصل کاری دعوت کنند و از فکر کردن به نتیجه زودرس که احتمالاً منفی هم است دور کنند، این مثل را به کار می برند تا او را به داشتن صبر و تحمل و پشتکار تشویق کنند.

- از مُغ بریت توتوک.

az môy berit tovtuk

برگردان: اگر یک ساقه از درخت نخلی کم شود، مشکل چندانی ایجاد نمی کند و برگ های تازه بر آن می روید و سبز می شود.

- تافال نه چهیم خویشن، پُچ از چهیم مردم در اتارت.

mardom dar- ataret tafal na čehme xišen, poč az čehm

برگردان: در چشم خودش کنده نخل است؛ ولی دنبال این است که شیء کوچک و ریز از چشم مردم بیرون بیاورد.

مفهوم کنایی: این مثل زمانی کاربرد دارد که فرد عیوب بزرگ خود را نمی بیند و در صدد عیب یابی از دیگران است.

-وخت سرد و سرما کسی ناگوت مُغ ما، وخت کُنگ و هارما همه کس اگوت مُغ ما.

Vaxte sard ô sarma kasi nagut môye ma vaxte kang ô harma hama kas agut m ôye ma

برگردان: هنگام سرما کسی نمی گوید نخل ما، هنگام خارک و خرما همه کس می گوید نخل ما.

مفهوم کنایی: کنایه از اینکه بعضی مردم عادت کرده اند همه چیز برای آنها آماده و مهیا باشد و حاضر نیستند خود برای به دست آوردن مطلوب زحمتی را تحمل کنند.

مفهوم دیگر: «در موقع سختی همه خود را کنار می کشند، چون فصل آبیاری نخلستان ها در فصل سرد و سرما و هنگام بارندگی، انجام می شده» (قتالی، ۱۳۸۶: ۷۶).

ضرب‌المثل‌ها با محتوای نخل دو گونه‌اند: گونه‌ای که به خود نخل اشاره دارد و گونه‌ای دیگر که اجزای نخل و فراورده‌های آن را نمایان می‌سازد. استفاده از ضرب‌المثل‌هایی که بومی منطقه است برای نخل نشان از آن دارد که در این شهر کهن افرادی خلاق و نکته‌سنج و دانا بوده‌اند که برای تثبیت گفته‌های خود و یا برای کوتاهی سخن و تأثیر بیشتر آن بر مخاطبان عام آن روزگاران، ضرب‌المثل‌های منطقه را فراهم آورده‌اند و این نشان از فکر و تفکر مردم آن منطقه دارد که توانسته‌اند این چنین ادبیات شفاهی غنی بومی را فراهم کنند.

۲-۴. نخل در چیستان‌ها

چیستان‌ها از کهن‌ترین زمان در میان همه قوم‌های ابتدایی و مردم جوامع سنتی و پیشرفته جهان، شناخته شده و کاربرد داشته است. چیستان‌ها زاده اندیشه تیز و احساس لطیف توده مردم هستند. این چیستان‌ها معمولاً گوینده شناخته‌شده ندارند و بیشتر آن‌ها نوع تلقی و برداشت جمعی مردم را از پدیده‌های طبیعی و محیط زیست بومی می‌نمایند.

در میناب چیستان را بر (bar) می‌گویند که معمولاً با «چن، چن» شروع می‌شود. چیستان‌های میناب موضوعات گوناگونی را در بر می‌گیرد که آن موضوعات روزمره و در دسترس مردم آن منطقه است؛ مانند نام غذاهای بومی، وسایل کار، پرندگان، حیوانات و درختان. یکی از درختان پر کاربرد در چیستان‌ها نخل است که بسامد بالایی در ادب شفاهی و گویش میناب دارد.

کهن‌ترین چیستان‌های جهان که تاریخی بس دراز دارند چیستان‌های به‌دست آمده از فرهنگ‌های هلنی، ودایی و سامی هستند. این چیستان‌ها قبلاً به‌صورت معماهایی پیچیده آمده بودند. آن دسته از چیستان‌های کهن اولیه که هنوز در مدار زندگی کنونی رواج دارند و کمتر دستکاری و پرداخته شده‌اند، اساساً همان توهامات استعاری درباره شباهت میان چیزهای طبیعی را حفظ کرده‌اند (امام اهوازی، ۱۳۷۹: ۲۱).

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم پور مقدم و همکار

در میناب سؤال چیستان که با واژه آچن (*āčēn*) (مخفف آن چیست) شروع می شود و گاهی نیز از لفظ کی و که، چه و کدام و چن چن استعمال می شود. همگی در برگیرنده سؤال و نوعی سخن استفهامی هستند.

طرح اصلی چیستان های میناب در طول دوران ها در اوقات فراغت و از سوی بزرگ ترها و پیر مجلس مطرح می شده است که گاه آن فرد چیستان های دوران گذشته را - که به صورت شفاهی در حافظه داشته - و گاهی نیز چیستان های جدید را ارائه می کرده است. در شب نشینی ها رسم بر این بوده است که چیستان های تکراری گفته نشود، از این رو طراح چیستان ها برای ارائه چیستان از قبل آماده می شد یا از دوستان دور یا نزدیک کمک می گرفت و بده و بستان چیستانی صورت می گرفت و این می شد که چیستان ها از نسلی به نسلی دیگر انتقال می یافتند.

در بررسی هزار چیستان رایج در میناب که در سال ۱۳۸۷ توسط سهراب سعیدی جمع آوری و ضبط شده است، مشخص شد که بیشترین چیستان هایی که در هرمزگان مطرح می شود در مورد قلیان و نخل است و بعد اندام بدن انسان و در مرحله بعد انواع سبزیجات، رستنی ها، خوردنی ها، حشرات، زنبورها، آبزیان اهمیت دارند. همین طور می توان به صور فلکی، ماه و خورشید، ستاره مشتری که آن را نماد خوشبختی می دانند، اشاره کرد.

۲-۴-۱. نمونه ای از حضور نخل در چیستان های میناب

نخل در گونه های مختلف ادب شفاهی حضور فعال دارد و این امر، مهم بودن این درخت را یادآور می شود که هم برای مردم منطقه دم دست است و هم تمام اجزای آن ارزشمند است که می توان از آن به عنوان وسیله ای برای سنجش هوش بهره گرفت.
-گردن گلوله، گرد لنگن گلوله رو پیشلنگن گلوله.

gerden golula gerde longen golula ru pišelengen golula

برگردان: گرد است گلوله، گرد لنگ است. گلوله روی برگ است گلوله. جواب:

خوشه خرما.

عجایب صنعتی دیدم در این در به پایین یک بود بالا دو صد پر

?ajāyeb san?ati didam daryin dar be/ pāyīn yak bud-o-bālā do sad par

جواب: نخل.

- عجایب صنعتی دیدم در این بر به پایین یک بود بالا دو صد پر هر کسی از این معنا

?ajāyeb san?ati didam darin bar be pāyin yak/ bod-o-bālā do sad par
har kas ?az ?ein manā

- بدانند غلامش می شود بدر قلندر.

bedānad γolāmaš mišavad badr kalandar

جواب: گمان شیخ حاجی بر همین است همان نخل است که خرما می دهد بر.

-لک الحمدو لک الذکر و لک الشکر، دلم

از معنی دو تا گشته بی فکر، به دنیا صنعتی

نادیده دیدم که دخترزن بود و مادر بود بکر

Lakal hamd-o-lakal zeker-o-lakal šokr delam/ ?az ma?niye dotā gašta
bifekr be donyā san?ati/ nādida didam ke doxtar zan bovad-o-mādar
bovadbekr

جواب: خرما و رطب.

-بنی گل و گلزارن، وسطی شوره زارن بالا یشه دکن و بازارن.

boni golo-gol zāren vasati Šowra zāren bālayše dokon-o-bāzaren

برگردان: تهش گل و گلزار است وسط آن شوره زار است و بالایش مغازه و بازار

است.

جواب: نخل.

- دسمال نیلی پر از کنگ حلیلی.

dasmāle nili por ?az konge halili

برگردان: دستمال آبی پر از میوه درخت نخل از نوع حلیلی. جواب: آسمان و ستاره.

- سرپلال رو به خدا.

Sar palāl ru be xodā

معنی: سر پریشان رو به طرف خدا. جواب: درخت نخل.

- زرد و زبرنگن سوار پشیلنگن.

Zard -o- zeberengen savāre pišelen gen

برگردان: زرد و زبر است و بر برگ درخت سوار است.

جواب: خوشه نخل.

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم‌پور مقدم و همکار

سفیدن نه شیرن سبزن نه بهارن زردن نه درازن سیاهن نه زغالن.

Safiden na širen sabzen na bahāren zardeon na derāzen siyāhen na zoyālen

برگردان: سفید است نه شیر است، سبز است بهار نیست زرد است دراز نیست، سیاه

هست زغال نیست. جواب: ثمر خرما.

- کدو بلوک به بون هواخوت.

kadu boluk ba bon how ?axwat.

برگردان: کدو بلوک از پایین آب می‌خورد.

جواب: نخل.

- ایجا تا خراسون همه کلاه درازن.

?eaye jā tā xorāson hama kolāh derāzan

از اینجا تا استان خراسان همه کلاه دراز پوشیده‌اند.

جواب: نخل.

نخل در چیستان‌های مردم میناب به دو صورت ذکر می‌شود. گاه جواب یک چیستان نخل است و گاه نخل یا اجزای آن در نقش پرسش ذکر می‌شوند. استفاده فراوان نخل در ادب شفاهی مردم میناب نشان از اهمیت این درخت مقدس در بین مردم آن دیار دارد. بسامد استفاده از نخل در ادب شفاهی میناب بسیار بیشتر از سایر درختان است. در گذشته‌ها، هنگام سنجش عقل و فهم و زیرکی افراد از چیستان‌هایی استفاده می‌شد که جواب آن در دسترس بوده است به طوری که پرسش را در پرده و تشبیه بیان می‌کردند؛ ولی نشانه‌ها و تشابه‌های سؤال استفهامی ذهن کنجکاو مخاطب را به جواب چیستان‌های دم دست رهنمون می‌کرده است.

۲-۵. نخل در ترانه‌ها

نخل از عناصر اقلیمی هرمزگان است که چه در شعر عامه و چه در شعر رسمی هرمزگان بسامد بالایی دارد. نخل در ترانه‌های عامیانه هرمزگان نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. در ترانه «کنیز احمد» که در کتاب *ای سیاه زنگی محمد ذوالفقاری آمده*، از یک نوع مرغوب نخل به نام هلیلی یا هلیله یاد شده است. این نخل جزء آخرین درختان خرما در میناب است که میوه آن نیز بسیار مرغوب است.

زیر آمبا و مُغ^۲ هلیلی، کنیز احمد بر نگردن زُنن هَواری^۳، کنیز احمد
(ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۳۹)

zire ?ambā-o- moye halili, kanir ?ahmad/ bar nakerdan zanon havāri
kanir ?ahmad

برگردان: زیر درخت انبه و نخل هلیله، خانم کنیز احمد غذای هواری درست می‌کند.

نصرک^۴ در ترانه «مه ناڈُنم چطو بو» به درخت نخل و خرما می‌گوید که با ارده خورده می‌شود، اشاره کرده است؛ البته بهترین نوع خرما که با ارده خورده می‌شود، نخل مرداسنگ است که جهت حفظ و نگهداری آن برای بلندمدت آن را با زیره، برگ درخت نارنج و خرما می‌کنند و در هرمزگان به خرما شیره معروف است. اما درخت هلیله به‌عنوان آخرین درخت که در شهریور و مهر ثمر آن قابل برداشت است به خودی خود خوشمزه است.

وَوُر شُگه و زَرده، خرما شُگه و آرده بارشُ ننشست رو گَرده، مه ناڈُنم چطو بو
(ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۵)

havore šoge vā zarda, xormā šoge vā ?arda/ bares-o- nanešast ro gorda
me nādonom četo buve

برگردان: ماهی هوور و زرده را از دریا صید کردند و آن‌گاه خرما و ارده تهیه کردند. بارش به مقصد نرسید من نمی‌دانم چطور شد.

نخلستان از شاخص‌ترین عناصر اقلیمی طبیعت جنوب ایران به‌شمار می‌رود. در حوالی هرمزگان به‌ویژه در میناب، رودان، حاجی‌آباد و فین درخت نخل فراوان می‌روید. نخل به‌قدری حرمت دارد که واحد شمارش آن را نفر قرار داده‌اند. جدای از ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها، اشعاری که در مورد نخل در افواه مردم ترنم می‌شود، معمولاً دو گونه‌اند؛ گونه‌ای که در شروه‌ها و اشعار عامیانه جلوه‌گر می‌شود و گونه‌ای دیگر که در ادبیات رسمی شاعران هرمزگانی نمود پیدا کرده است.

بسامد استفاده از واژه نخل در ترانه‌های رایج در هرمزگان کمتر از دو گونه دیگر ادبیات شفاهی (چیستان و ضرب‌المثل) است. هر چند به نظر می‌رسد قدرت چیستان و

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم‌پور مقدم و همکار

ضرب‌المثل‌های رایج در میناب بسیار طولانی‌تر از ترانه‌هایی در این خصوص است که بیشتر در دوره معاصر توسط ابراهیم منصفی و نصرک پدید آمده است.

۲-۶. نخل در لالایی و بومی سروده

لالایی‌ها مانند همه انواع ادب عامه، سرشار از زندگی و واقعیت‌های آن هستند. در هر جامعه‌ای مجموعه اشعار و ترانه‌هایی وجود دارد که کنار گهواره برای نوزادان و کودکان خوانده می‌شود. مردم میناب نیز لالایی‌های مخصوصی دارند که به اقلیم آن محیط از جمله نخل اشاره دارد.

در متن‌ها و سندهای پیش از اسلام، هیچ نمونه‌ای از لالایی به چشم نمی‌خورد و اشاره‌ای به وجود آن نشده است. در تعریف دیگری در لغت‌نامه دهخدا، افزون بر تعریف برهان قاطع نوشته شده است: «ذکری که برای خوابانیدن اطفال خوانند. ذکری باشد که عورات (زنان) در محل خفتن کودک گویند تا به خواب رود و آن را نانو گویند» (دهخدا، ۱۳۶۵: ۵۷). اما ریشه لالایی از «بانگ می‌آید که در پهلوی ونگ است، به معنای صدا، آواز یا گریه همراه با ناله. پیشوند این واژه همان بن است که در فرهنگ بهدینان آمده، یعنی بند به معنای حبس و بند به این ترتیب بنگره یعنی بانگ بند، ناله بند یا ناله خاموش کن» (قایی، ۱۳۸۴: ۲۶). ناصر خسرو در شعر خود این واژه را به کار برده است:

تو خفته‌ای خوش ای پسر و چرخ روز و شب همواره می‌کند به بالینت بنگره
(۱۷۴/۱۳۹۲)

در اینجا ناصر خسرو نیز همان مفهوم بانگ را از این واژه در نظر دارد و چرخ روزگار را به جای آرامش‌دهنده یا ناله‌بند کودک می‌گذارد. «نانو نیز که هم معنای بنگره و لالایی است، کهن‌تر از لالایی است. نانو همان نانو به معنای جای خواب کودکان و هم نانا یا ننه است. ریشه این واژه نیز به نانا یا ایزدبانو و الهه ایشتر می‌رسد که در اساطیر سومری ایزد ماه بوده است و پس از رخنه اساطیر عبری به ایزدبانو تبدیل شده است» (بهرامی، ۱۳۶۹: ۳۱). «اما اینکه این واژه چگونه به لالا تبدیل شده است، می‌توان گفت بنگره حالت همگانی‌تری از لالایی دارد و هر نوع آواز و ترانه یا بانگی را که

برای خواباندن کودک به کار می‌رفته در بر می‌گرفته است و پیش از پیدایش لالایی‌ها از شکل‌های کلی‌تری به نام بنگره و نانو استفاده می‌شده است. دیگر اینکه لالای ابتدای لالایی‌ها پیش از آنکه بخواند واژه - آوایی باشد، یک واژه - آوای فراگیر است که در زبان‌های دیگر هم کم‌وبیش وجود دارد» (محمدی، ۱۳۸۴: ۵۴).

در مورد منشأ لالایی‌ها، عامه مردم شهرستان میناب بر این عقیده‌اند که زمانی که دین مبین اسلام به سرزمین ایران راه یافت و ایرانیان از صمیم قلب این دین آسمانی را پذیرفتند و مسلمان شدند از آن پس هرگاه صاحب فرزندی می‌شدند دایه یا پرستار نوزاد در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه می‌خواند و هنگامی که کودک بیدار می‌شد و گریه می‌کرد برای خواباندن و آرام کردن او عبارت «لا اله الا الله» را که یک کلام روحانی و آرامش‌بخش است زمزمه می‌کرد؛ بدین وسیله نوزاد آرام می‌گرفت. همین لاله الا الله بعدها در ادبیات زنان که سکان‌داران گهواره کودکان بوده‌اند به لالایی تبدیل شده است و نیز بر این باورند که مادران در گذشته همچون امروز، داروهای آرام‌بخش را در اختیار نداشتند و از طرفی نوزاد خیلی آن‌ها را اذیت می‌کرد؛ لذا به کلام خداوند متوسل و چون در این کار موفق می‌شدند، هرگاه بچه‌ای گریه می‌کرد به مادرش توصیه می‌شد که لالا را که صورت مخفف شده «لا اله الا الله» است به کار ببرد و این شد که از واژه «لالا = خوابیدن» لالایی به وجود آمد؛ چنانکه:

ل لا لالا کنم رادم نه جیلی خدا کاهم بکنت چار بند جیلی

برگردان: لالایی می‌گویم که فرزندم در گهواره خوابیده است، خدا چهار بند گهواره او را سالم و محکم نگه دارد (اشاره به اینکه در گذشته گهواره کودکان (جیلی) از سقف خانه‌ها آویزان می‌شد و آن گهواره‌ها چهار بند داشته است).

۲-۶-۱. نخل در لالایی

لالالالا بگم بی بچه شیرم لالالالالای چوک دلیرم

Là là à l à begam bei ba ĉ h ĉ irôm/ l à l à l à l à l à l à l à l à l ĉ ok dalirôm

برگردان: لالایی بگویم برای فرزند مانند شیرخودم. لالایی برای پسر شجاع خودم.

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب حسین قاسم پور مقدم و همکار

عزیز نازنین در خواب نازن سر شوم تا سحر چشم موم وازن

?aziz nâzanin dar xâb nâzen/ sar šom tâ sahar češmom vâzen

برگردان: فرزند دوست‌داشتنی در خواب شیرین به سر می‌برد. اول شب تا صبح چشم من باز است.

سورسک حالا انالیدن رو موع شیار بودن زمینو با گو و جوع

Sôresk hâlâl anâliden ro moy/ šiar bodne zamino ba go o joy

برگردان: پرنده‌ای به نام سورسک^۵ روی درخت نخل مشغول خواندن است. زمین‌ها را با گاو و گاواهن شخم زده است (وکیلی، ۱۳۸۲: ۲۱).

یا:

- خدا عمرت عطا کن خوارمت که

xda omrt at à kon xaôrmet ke

برگردان: خداوند به تو عمر زیاد ببخشد که مرا اذیت کردی.

- مثل ترش پا موعن خوارمت که

mesle toruŠpâ moyen xârômet ke

برگردان: مانند خرماي ترشیده پای نخل که قابل خوردن نیست (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

نخل در لایه‌های میناب هم حضوری فعال دارد. در واقع، چه مفهومی بهتر از درخت نخل که در این شهر به وفور یافت می‌شود و می‌تواند در دسترس مادران باشد تا به وسیله اشعاری در مورد آن بتوانند کودکان خود را آرام کنند.

مردمان جنوب برای نخل واحد نخله را وضع کرده‌اند. بی‌شک این نیز دلیل و گواهی بر عظمت و اُبّهت این درخت بسیار مفید و ثمرده است. همچنین، حضور پررنگ و همیشگی نخل و ترکیبات آن در فرهنگ عامیانه جنوب خود بر جایگاه والای این درخت دوست‌داشتنی افزوده است.

۷-۲. نخل در اصطلاحات عامیانه

بیش از هشتاد صنایع دستی نخیلاتی از درخت نخل تهیه می‌شود. علاوه بر این، مردم نیز اصطلاحاتی در مورد نخل به کار می‌برند که این همه، اهمیت زیاد درخت نخل را در بین مردم جنوب نمایان می‌سازد. در اینجا به ذکر تعدادی از اصطلاحات با توضیح مختصر بسنده می‌کنیم.

تلنگ (Taleng) یا تیلنگ: رشته‌های باریکی هستند که تنگروک روی آن‌ها به طور منظم قرار دارد. تعداد دانه‌های تنگروک روی هر تلنگ بر حسب نوع نخل متفاوت است؛ اما حداکثر ممکن است به ۳۰ تیلنگ برسد.

پَنگ (pang): مجموعه خوشه خرما را پنگ می‌گویند که تعداد آن‌ها در انواع نخل متفاوت است. اگر نخلی بیش از توانایی و ظرفیت خود، «پنگ» بیاورد، در موقع بارور ساختن زیادی‌ها را بیرون می‌کشند. اگر به نخلی بیش از تحمل آن «بار» داده شود بر اثر بار بیش از حد دانه‌های خرما می‌ریزد و یا خشک و کم شیر می‌شود.

خمل (xamal): میوه نارس خرما را خمل می‌گویند که در تمام انواع، سبز رنگ است. مزه خمل به طور کلی تلخ و گاهی گس و تند است؛ اما نسبتاً شیرین و قابل خوردن است.

کُنگ (kōng): به معنای خارک یا خرماست. در این مرحله خمل سبز رنگ تغییر رنگ می‌دهد و زرد، قرمز و یا قهوه‌ای‌رنگ می‌شود. خارک بعضی نخل‌ها تُرد و شیرین و مطبوع و در بعضی دیگر سفت و گس است. خارک‌های شیرین و ترد مشتری بسیار دارد و پیش از آنکه به خرما تبدیل شوند، چیده و خورده می‌شوند.

دوم‌پازگ (dompàzg): خارکی را گویند که نیمی از آن به خرما تبدیل شده باشد. میوه نخل از سمت دم به خرما تبدیل می‌شود.

خامُش (xàmôš): خارکی را گویند که به کمک حرارت آفتاب و به‌طور مصنوعی به خرما تبدیل شده باشد. برای این منظور در آغاز پیدایش (به‌دست آمدن) خارک آن را مدتی در آفتاب سوزان ۴۰ الی ۵۰ درجه بالای صفر می‌ریزند تا خوب نرم شود. آنگاه آن را در ظرفی می‌ریزند و خوب بهم می‌زنند. سپس چندین ساعت درون ظرفی دربسته نگه می‌دارند. بر اثر این فعل و انفعالات خارک به خرما یا رطب تبدیل می‌شود که البته طعم و مزه رطب طبیعی را ندارد.

منگ (meng): وقتی که به‌سبب بارور نشدن و یا عوامل دیگر خرما نیمه‌رس باقی مانده و رشد آن متوقف گشت آن خرما را منگ می‌گویند. منگ در بعضی انواع نخل تلخ و در بعضی دیگر شیرین و قابل خوردن است.

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب حسین قاسم پور مقدم و همکار

سَلَنگ (Saleng): عبارت از دانه‌های خشک و بی شیرۀ خرماست که مصرف انسانی ندارد و صرف تغذیۀ دام می شود. اگر سلنگ را با آب بجوشانند معجونی به دست می آید که آن را «لم» اسم نهاده‌اند و غذای مطبوع گاو است.

پیزگ (Pizg): کلاهک خرما را گویند که میوه نخل را از طرف بالا به تلنگ و پنگ و از طرف پایین به هسته وصل می کند و موقع چیدن خرما ممکن است از هر دو جدا شود و یا به یکی از آن دو یعنی هسته و یا تلنگ وصل بماند. تنها جزئی از نخل که ظاهراً مصرفی ندارد، پیزگ است. هر چند وقتی روی هسته باقی بماند گاو و گوسفند آن را می خورند (سایانی، ۱۳۸۲: ۴۶).

نخل همانگونه که اصطلاحات زیاد و پر کاربردی درباره آن وضع شده است از منظر فراورده‌هایی که از آن به دست می آید نیز مهم است. این فراورده‌ها در چند بخش پوشاک، مسکن، صنایع دستی و غذا جای دارند که معیشت مردم میناب به آن بستگی دارد.

۲-۸. نخل در آداب و رسوم و باورهای مردم میناب

در روزگاران قدیم زندگی و اقتصاد مردم میناب به نخل وابسته بوده است، به طوری که ریشه تا شاخ، برگ و میوه این درخت انسان را بی نصیب نگذاشته است. در منزل هر هرمزگانی تکه‌ای از صنایع نخیلاتی هر قدر هم کوچک وجود دارد و تمامی قسمت‌های نخل در قدیم به عنوان وسایل زندگی مردم مورد استفاده قرار می گرفته است. در این استان صنایع دستی تهیه شده از نخل جایگاه ویژه‌ای دارد. نخل و خرما در استان هرمزگان نقش مهمی در سنت‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات، بازی‌ها و مراسم مختلف اجتماعی ایفا می کنند و سبب پیدایش یک سری سنت‌ها، آداب و رسوم شده است.

باورها بیانگر شیوه‌های زندگی و چگونگی تفکر و مهم‌ترین منشأ باورها و نباهای انسان است. چرا و چگونه یک چیز را درست و شایسته یا یک چیز را نادرست می دانیم؟ باورهای ما هستند که راه و رسم و شیوه زندگی ما را تعیین می کنند.

۲-۸-۱. گهواره تا گور: در گذشته گهواره را از شاخ و برگ نخل می‌ساختند و زندگی در سایه نخل سپری می‌شد. همچنین، در کفن دو تکه چوب نخل می‌گذارند که بر روی آن‌ها آیه‌الکرسی نقش بسته است.

۲-۸-۲. تهدید نخل: در روزگاران قدیم اگر ثمر دادن نخل جوان به درازا می‌کشید، نخل را تهدید به قطع کردن آن می‌کردند و با اره (داس) چند تا از شاخ و برگ او را می‌بریدند. در این هنگام شخص دیگری، بین نخل و صاحبش میانجی‌گری می‌کرد و او را آرام می‌ساخت و بین آنان به داوری می‌نشست و می‌گفت: گناه نخل را بر من بیخشایید و اگر سال آینده بارور نشد او را قطع کنید.

۲-۸-۳. نخل دیوانه (گنوغ): از رایج‌ترین تفکرات مردم در گذشته، آتش زدن نخل دیوانه بود. این کار به دلیل عدم آگاهی مردم از انواع آفات گیاهی بود، زمانی که نخل حالت غیرطبیعی به خود می‌گرفت و این حالت به سایر درختان سرایت می‌کرد می‌گفتند نخل دیوانه شده است.

نخل دیوانه، ظاهری کج و برگ‌های آن شپشک‌زده و زرد و گاهی از برگ‌هایش شیره خارج می‌شود. مردم این نخل را به واسطه خصوصیات ظاهری‌اش دیوانه قلمداد می‌کردند و آن را آتش می‌زدند؛ البته به نحوی که همه قسمت‌های آن نمی‌سوخت. این امر سبب بارور شدن دوباره نخل می‌شد و مردم به گمان خود با آتش زدن نخل دیوانه، او را تنبیه می‌کردند و نخل ثمر می‌داد.

۲-۸-۴. کاشت نخل رو به قبله: مردم میناب هنگامی که نخل را از محل نشا به زمین اصلی منتقل می‌کنند حتماً هنگامی که در زمین اصلی می‌کارند باید رو به قبله باشد و گرنه اعتقاد دارند بارور نمی‌شود و ثمر نمی‌دهد (عسکری‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۶).

۳. نتیجه

تنوع محصولات نخل در میناب به گونه‌ای است که کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت در زندگی روزمره‌اش از این محصولات بهره‌ای نبرده باشد. این پرمحصولی و گوناگونی فراورده‌های نخل و تنیدگی آن در زندگی به تدریج به درون باورها و اعتقادات مردم ریشه دوانده است به گونه‌ای که حضور مشتقات نخل را از تولد تا مرگ

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم پور مقدم و همکار

در مراسم مختلف می‌توان دید. طبیعی است هر جا که چیزی در فرهنگ و باورهای مردم نهادینه شود در ادبیات، اشعار، قصه‌ها و... خود را به ما نشان می‌دهد. همینطور جستار در روایات و احادیث و سخنان بزرگان دین نیز ما را به این معنی رهنمون می‌کند که نخل در اندیشه و باورهای دینی نیز جایگاهی والا و ممتاز دارد.

درخت نخل را می‌توان از معدود درختانی دانست که واحد شمارش آن همچون انسان نفر است که گواهی بر عظمت و اُبَهِت این درخت بسیار مفید و ثمرده است. همچنین، حضور پررنگ و همیشگی نخل و ترکیبات آن در فرهنگ عامیانه جنوب، بر جایگاه والای این موجود دوست‌داشتنی دلالت دارد. جستار در روایات و احادیث و سخنان بزرگان دین نیز ما را به این معنی رهنمون می‌کند که نخل در اندیشه و باورهای دینی نیز جایگاهی والا و ممتاز دارد. ضرب‌المثل‌های نخلی رایج در میناب نیز دو گونه‌اند: گونه‌ای که به خود نخل اشاره دارد و گونه‌ای دیگر که اجزای نخل و فراورده‌های آن را نمایان می‌سازد. استفاده از ضرب‌المثل‌هایی که بومی منطقه است برای نخل نشان از آن دارد که در این شهر کهن، افرادی خلاق و نکته‌سنج و دانا بوده‌اند که برای اثبات گفته‌های خود ضرب‌المثل‌های منطقه را فراهم آورده‌اند. نخل در چیستان‌های مردم میناب نیز به دو صورت ذکر می‌شود؛ گاه جواب یک چیستان نخل است و گاه نخل یا اجزای آن در نقش سؤال ذکر می‌شوند. استفاده فراوان نخل در ادب شفاهی مردم میناب نشان از اهمیت این درخت مقدس میان مردم آن دیار دارد. در اشعار شاعران هرمزگان، درخت نخل، بسیار دیده می‌شود. شاعران هرمزگان چه در دوران گذشته و چه در دوران معاصر و چه در قالب‌های کهن و چه در قالب سپید از طبیعت اطراف خود بهره‌کافی را برده‌اند که در این راستا نخل و عناصر مربوط به آن بسامد بسیاری دارد و توجه شاعران و نویسندگان به نخل چه در ادبیات شفاهی و چه در شعر رسمی هرمزگان زیاد است.

در روزگاران گذشته، زندگی و اقتصاد مردم میناب به نخل وابسته بوده است؛ به طوری که ریشه تا شاخ، برگ و میوه این درخت انسان را بی‌نصیب نگذاشته است. در منزل هر هرمزگانی تکه‌ای از صنایع نخیلاتی هر قدر هم کوچک وجود دارد و تمامی قسمت‌های نخل در قدیم به‌عنوان وسایل زندگی مردم مورد استفاده قرار می‌گرفته

است. در این استان صنایع دستی تهیه شده از نخل، جایگاه ویژه‌ای دارند. بیش از ۷۰ نوع صنایع دستی از نخل درست می‌شده است. نخل در مسکن، خوراک و لوازم زندگی نقش داشته به طوری که آسایش و آرامش زندگی در گرو نخل بوده است. این درخت بسیار مفید و از این رو شناسایی و شناساندن آن مهم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. خالو سلونی به کسی گفته می‌شود که از خود راضی است و زیاد از خودش تعریف می‌کند.
۲. مغ: نخل
۳. هواری: یک نوع غذای محلی جنوب با برنج و گوشت و مخلفات و یا برنج و میگو، برنج و ماهی، برنج و مرغ، برنج و تن ماهی و ...
۴. نصرک مخفف نصراله است که از ترانه‌سرایان بسیار معروف استان هرمزگان است. چون مردم نصرک را دوست داشتند کاف تحبیب را به آخرش اسمش افزودند.
۵. «سورسک» که در میناب «سهلوسک» نیز خوانده می‌شود، گونه‌ای پرنده شبیه فاخته است؛ البته خود فاخته را بومیان این شهر «کغار» *kayâr* یا «کو کو کو» می‌نامند. که وجه تسمیه آن غار زدن و همان فریاد است که این پرنده همیشه در حال خواندن است.

منابع

- قرآن کریم.
- امام اهوازی، سید محمد (۱۳۷۹). *چیستان‌نامه دزفولی*. تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- حبیبش تغلیسی، شیخ ابوالفضل (۱۳۷۳). *تعبیر خواب ابن سیرین*. قم: نمونه.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). *معارف و معاریف*. قم: دارالتفسیر.
- جهانی، اشرف (۱۳۸۵). *نخل*. تهران: بی‌نا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۵). *امثال و حکم*. چ ۱۲. تهران: امیرکبیر.
- ذاکری، سلمان (۱۳۹۰). *نخل در میناب*. جزوه منتشر نشده.
- ذوالفقاری، محمد (۱۳۸۶). *در محله خاموشان*. چ ۱. ناشر مؤلف.
- سایبانی، احمد (۱۳۸۲). *فین بندرعباس*. تهران: همسایه.
- سعیدی، سهراب (۱۳۸۶). *فرهنگ مردم میناب*. تهران: ائلشن.
- _____ (۱۳۸۶). *لالایی، بازی‌ها و سرگرمی‌های میناب*. تهران: ائلشن.
- _____ (۱۳۸۸). *چیستان در هرمزگان*. قم: دارالتفسیر.

تحلیل جایگاه نخل در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم میناب..... حسین قاسم پور مقدم و همکار

- _____ (۱۳۹۳). ضرب‌المثل در میناب. قم: دارالتفسیر.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۸۲). دوازده هزار مثل فارسی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عسکری‌زاده، ناصر (۱۳۹۳). نخل در فرهنگ مردم هرمزگان. بندرعباس: دانشگاه هرمزگان.
- عمرانی، سید ابراهیم (۱۳۸۱). برداشتی از لالی‌های ایران. تهران: پیوند نو.
- قاینی، زهره (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات کودکان. تهران: چیستا.
- قتالی، سید عبدالجلیل (۱۳۸۶). مجموعه ضرب‌المثل‌های مشهور بندر خمیر (هرمزگان). تهران: ایلاف.
- محمدی، محمد هادی و زهرا قاینی (۱۳۸۴). پژوهشی در شعر تاریخ ادبیات کودکان / ایران. تهران: چیستا.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۹۲). دیوان. به کوشش مهدی محقق. تهران: خردمندان.
- نصیری، مرتضی (مجنون) (۱۳۸۷). گپ گنوغ. قم: عصر جوان.
- واعظی، سجاد (۱۳۸۳). خرما درخت زندگی. تهران: سیمین.

Analyzing the place of palm in oral literature and folk culture of Minab people

Hussein Qasempour Moqaddam¹ * Sohrab Saeidi²

1. Assistant professor of curriculum – Organization for educational research and planning
2. Msc in Persian language and literature- teacher – Minab.

Received: 16/04/2018

Accepted: 26/02/2018

Abstract

The palm tree is a very ancient and sacred tree whose name is often mentioned in the Holy Quran. The historian has described it as the princess of trees. Southerners believe that palm is the only legacy of their family. In the oral history of the Minab, there are many palm trees. The palm plays an important role in the traditions, customs, and beliefs of the people. Palm tree is important in all respects for the inhabitants of the south. He provided food and lodging, as well as wicker industries to use in the affairs of life. By adopting the content – analysis approach and through library based data and interview, this research sheds light on several aspects of this tree and its place in oral literature of Iran (riddle, proverb, idioms, beliefs and songs). This tree has been important for a very long time in the lives of the people of this region and it is not an exaggeration to say that every palm, as a breadwinner, can be part of the family economy. Palm is one of the children of the family and his unit of enumeration. Sometimes, the inhabitants of this region have attributed to it a mortal character.

Keywords: Palm, oral literature, folk literature, Minab.

*Corresponding Author's E-mail: h44ghasempour@yahoo.com